

تصویری گویا از کتاب گویا در ایران تعریف و تاریخچه

لیلا (رؤیا) مکتبی‌فرد



فراخور حال و روحیات و توانایی‌های خود، یکی از گونه‌های ادبی را برمی‌گزینند و آن را پی می‌گیرند. در حقیقت، هر اثر ادبی پس از خلق، در جامعه حرکت می‌کند و مخاطبان خود را می‌یابد. ادبیات اگر به شکل ناب و اصیل خود باشد، می‌تواند اقشار وسیعی از جامعه را در دوره‌های متوالی پوشش دهد. در این حالت، هر کس بنا به علاقه و توانایی‌اش می‌تواند تمام یا بخشی از خود را در آن اثر بیابد. آثاری مانند شازده کوچولو، اثر اگنر وپری، از این دست آثارند. چنین آثاری مخاطبانی از هر گروه سنی را می‌تواند راضی نگه دارد. برخی دیگر نیز در طول زمان، خود به خود در دایره آثار گروه سنی خاص قرار گرفته‌اند؛ مانند سفرهای گالیور یا آلیس در سرزمین عجایب. آن چه، سبب شده پس از سال‌ها که از انتشار این آثار می‌گذرد، همچنان مورد توجه و استفاده اقشار وسیعی از مخاطبان باشند، همان جوهره ناب ادبی است که در آن‌ها وجود دارد. بنابراین، شاید تصور خلق ادبیات برای

آثار ادبی، انسان‌ها را به کشف دنیا‌های متفاوت رهنمون می‌شوند و به آن‌ها کمک می‌کنند که با غلبه بر زمان و مکان و سوار بر بال‌های تسخیل، در رؤیاهای‌شان پرواز کنند. یکی از بزرگ‌ترین خاصیت‌های ادبیات را ایجاد لذت خواندن در مخاطب می‌دانند. لذت بردن از ادبیات، موهبتی است که نمی‌توان آن را به عده‌ای خاص محدود کرد؛ زیرا ادبیات جزئی از زندگی انسان‌هاست و همگان حق زندگی دارند. براساس بیانیه یونسکو، در مورد کتابخانه‌های عمومی، هر کس در هر شرایطی، متعلق به هر طبقه‌ای و با هر سطح از توانایی جسمی، حق خواندن و حق دسترسی به منابع اطلاعاتی و به عبارتی، حق برخورداری از دانستن و ادبیات را دارد. (Unesco Public Library Manifesto, 1994)

بنابراین، می‌بینیم که کلیه اقشار جامعه می‌توانند مخاطبان بالقوه ادبیات محسوب شوند؛ هر چند همه آن‌ها لزوماً قادر نیستند با تمام انواع ادبیات ارتباط برقرار کنند. در واقع، هر یک به

مخاطب خاص، اندکی اثر را از جوهره اصلی خود دور کند، زیرا این قوت یک اثر است که در ذهن مخاطب تأثیر بگذارد. خلق یک اثر ادبی برای اقشار خاص یا دارای توانایی‌های خاص را نمی‌توان چندان از قبل پیش‌بینی کرد؛ به ویژه آن‌که آن قشر خاص، کودکان معلول باشند. هر کودکی با هر نوع توانایی، می‌تواند با ادبیات ارتباط بگیرد؛ مشروط بر آن‌که ادبیات برای او قابل فهم شده باشد. در حقیقت ادبیات کودک ویژه (معلول)، از دو منظر قابل بررسی است: یکی از حیث حضور کودک ویژه در یک اثر و دیگر از حیث راه‌هایی که یک اثر را برای کودک ویژه قابل خواندن می‌کند. موضوع بحث این مقاله، دیدگاه دوم است و با دید خاص‌تر، مشخصاً به بخشی از ادبیات کودک نابینا (کتاب گویا) می‌پردازد.

کودکان نابینا به لحاظ برقراری ارتباط با ادبیات، تفاوتی با کودکان عادی ندارند. زیرا به دلیل استفاده از حس شنوایی، دایره واژگانی نسبتاً غنی دارند. البته ممکن است محدودیت‌هایی در خصوص درک برخی مفاهیم انتزاعی و تصویری داشته باشند که با به‌کارگیری آموزش‌های پایه‌ای و تقویت زبان تصویری، به خصوص در دوره پیش‌دبستان تا حد زیادی قابل حل است. بنابراین، آن‌چه مهم است، راهکارهایی است که بتوانیم به واسطه آن، آثار ادبی را برای کودکان نابینا قابل خواندن کنیم. یکی از این ابزارها کتاب گویاست.

کتاب گویا

کتاب گویا، کتابی است که برای نابینایان و روی انواع رسانه‌های صوتی از قبیل صفحه، نوار، دیسک و... ضبط شده و به وسیله دستگاه‌های مختلف، قابل استفاده است. به این نوع کتاب، متن یا کتاب شنیداری نیز می‌گویند (پوری سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۱). هدف از ضبط کتاب

گویا، انتقال متن کامل یک کتاب یا نوشته روی یک محمل صوتی است؛ به نحوی که برای هر کس که قادر به خواندن نیست، قابل درک و شنیدن باشد. از این رو، بین کتاب گویا و یک نمایش‌نامه رادیویی و یا نوار قصه، تفاوت‌های اساسی وجود دارد؛ زیرا معمولاً کتاب گویا توسط یک نفر خوانده می‌شود که لحن او نیز چندان احساساتی نبوده و بیش‌تر به کتابخوانی با صدای بلند شبیه است.

بسیاری است تمام کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، امکان گویا شدن ندارند. از این رو، همواره سیاست‌ها و معیارهایی برای انتخاب کتاب‌هایی که قرار است گویا شوند، در نظر گرفته می‌شود. معمولاً متونی که برای ضبط انتخاب می‌شوند، باید به لحاظ ادبی غنی بوده و قابلیت ضبط داشته باشند.

افراد بسته به علاقه و ذائقه ادبی خود، ممکن است طرفدار گونه‌های مختلف ادبی باشند. از این رو، در گویا کردن آثار ادبی باید به این تنوع در سلیقه توجه کرد. البته به دلیل محدودیت در امکانات، این انتخاب باید از میان آثاری که جوهره ادبی کافی دارند، انجام شود. سرمایه‌گذاری روی آثار ضعیف و کم‌ارزش، جز اتلاف آن سرمایه، نتیجه دیگری نخواهد داشت.

نکته دیگری که در خصوص کتاب‌های گویا مطرح می‌شود، بحث مالکیت معنوی آثاری است که به شکل گویا منتشر می‌شوند. طبق قانون مالکیت معنوی، حق بهره‌برداری از آثار علمی و ادبی، متعلق به کسی است که حق مؤلف (کپی‌رایت) اثر را در اختیار دارد. از این رو، هر اثری را نمی‌توان در سطح وسیع گویا کرد. البته برخی افراد، به راحتی اجازه گویا شدن آثارشان را به مؤسساتی که به این کار اشتغال دارند، می‌دهند و به این ترتیب، آن آثار می‌توانند در سطح وسیعی به صورت گویا منتشر شوند. حتی برخی از نویسندگان با صدای خود، آثارشان را گویا می‌کنند.

دستگاه‌ها نیز پیشرفته‌تر شده، صفحه گرامافون جای خود را به محمل‌های دیگر و سرانجام به نوار کاست داد. در اندک فاصله زمانی، فعالیت‌های گسترده‌ای برای تولید کتاب گویا، توسط سایر مؤسسات در اقصی نقاط جهان آغاز و پس از مدتی، حتی متن برخی مجله‌ها نیز روی نوار ضبط شد. این مجله‌ها که اغلب از میان نشریات محبوب و پرخواننده انتخاب می‌شدند، مجله‌های گویا (Talking Magazines) نامیده شدند.

در سال ۱۹۴۱، در ضبط چند کتاب گویا، از

● در سال ۱۹۳۵، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بودجه نسبتاً خوبی را به تولید کتاب‌های گویا اختصاص داد و کتابخانه کنگره آمریکا، مسئول انجام این پروژه شد. به این ترتیب، سایر کتابخانه‌های ملی و محلی نیز این کتاب‌ها را از کتابخانه کنگره آمریکا دریافت کرده، به نابینایان امانت می‌دادند

جلوه‌های شنیداری استفاده شد. برای مثال، در کتابی که درباره زندگی موتزارت بود، قطعاتی از موسیقی پیانو نیز ضبط شد و یا در کتابی که در خصوص عادت‌های پرندگان بود، صدای آوای آنان نیز به کار گرفته شد. (Kent, 1978, V.30, p. 70-93)

این کار به ویژه از آن نظر که مخاطب اصلی این کتاب‌ها نابینایان بودند، کمک زیادی به درک فضای کتاب و انتقال برخی مفاهیم می‌کرد.

امروزه کاربرد کتاب گویا، منحصر به افراد نابینا نیست. کم‌بینایان، سالخورده‌گان و به ویژه مبتلایان به بیماری پارکینسون، خانم‌های خانه‌دار، افرادی که همیشه با اتومبیل در سفرند و زبان‌آموزان، برای تقویت مهارت‌های شنوایی یک زبان، می‌توانند از کتاب گویا، به عنوان رسانه‌ای قابل اعتماد، برای نیازهای مطالعاتی خود بهره‌جویند.

کتاب گویا در جهان

انجمن کتابداران آمریکا، تحقیقی در سال ۱۹۲۹ میلادی انجام داد که طی آن مشخص شد کم‌تر از ۱۵ درصد افراد نابینا، توانایی و مهارت لمسی برای خواندن خط بریل و لذت بردن از کتاب خواندن را دارند. در پاسخ به نیاز نابینایان، دکتر روبرت اروین، مدیر اجرایی بنیاد نابینایان آمریکا، برنامه‌ای را برای ضبط کتاب روی صفحه‌های گرامافون شروع و اصطلاح «کتاب گویا» (Talking Book) را نیز برای این نوع کتاب انتخاب کرد. البته پیش از آن هم فکر گویا کردن کتاب‌ها روی صفحه‌های گرامافون، در جلسات انجمن کتابداران آمریکا مطرح شده بود، اما هزینه‌های انجام این کار بسیار بالا بود. حتی پس از شروع برنامه دکتر اروین (که خودش هم نابینا بود)، همواره به فکر یافتن راه‌هایی برای کاهش هزینه‌های تولید کتاب گویا بودند. در سال ۱۹۳۵، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بودجه نسبتاً خوبی را به تولید کتاب‌های گویا اختصاص داد و کتابخانه کنگره آمریکا، مسئول انجام این پروژه شد. به این ترتیب، سایر کتابخانه‌های ملی و محلی نیز این کتاب‌ها را از کتابخانه کنگره آمریکا دریافت کرده، به نابینایان امانت می‌دادند. در طول سال‌های بعد، در عین حال که سرمایه‌بیش‌تری به این کار تخصیص می‌یافت، تلاش‌هایی نیز برای کاستن هزینه ضبط کتاب‌ها و ارتقای کیفیت و نیز انطباق آن‌ها با استانداردها انجام شد. اندک‌اندک

هم‌چنین، کتاب‌های گویا ابزار مناسبی برای آموزش موسیقی به صورت عملی و شنیداری محسوب می‌شوند.

در سال ۱۹۵۲ بر میزان اهمیت ضبط کتاب برای کودکان و نوجوانان تأکید شد. به این ترتیب، کتاب گویا از انحصار بزرگسالان خارج و کتاب‌های کودکان و نوجوانان نیز به چرخه کتاب‌های گویا وارد شد. (Kent, 1978, V.30. p. 70-93)

کتاب گویا در ایران

در ایران تلاش برای فراهم‌آوری مواد خواندنی مناسب نابینایان، به کم‌تر از صد سال پیش باز می‌گردد که عده‌ای از آرامنه اصفهان، برخی کتاب‌ها را به بریل برگرداندند. اما نخستین مؤسسه‌ای که رسماً برای خدمت به نابینایان تأسیس شد، مؤسسه‌ای بود که دکتر خزانلی، در دهه چهل بنیانگذاری کرد. در سال ۱۳۴۹ شمسی، دولت مؤسسه ملی بهزیستی نابینایان را تأسیس کرد که بعدها با همکاری انجمنی که دکتر خزانلی بنیان نهاده بود، به تهیه و توزیع کتاب‌های بریل و گویا برای نابینایان اقدام کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس سازمان بهزیستی کشور، مؤسسه ملی نیز به «سازمان بهزیستی خدمات نابینایان رودکی» تغییر نام داد. سازمان رودکی، ابتدا کتاب‌های درسی مدارس را نیز ضبط می‌کرد، اما بعدها حوزه خدمات آن تنها برای بزرگسالان و در حیطه کتاب‌های غیردرسی مشخص شد و تولید کتاب‌های درسی به صورت گویا و بریل، به سازمان کودکان استثنایی که وابسته به وزارت آموزش و پرورش است، واگذار گردید.

در حال حاضر، سازمان رودکی یکی از

فعال‌ترین سازمان‌های ایران در حوزه تولید کتاب گویا، به ویژه برای بزرگسالان است که ضبط این کتاب‌ها را توسط گویندگان حرفه‌ای یا داوطلب انجام می‌دهد و کتابخانه گویای آن یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های گویاست. رودکی به جز این کتابخانه، دو کتابخانه دیگر، یکی مختص کتاب‌های بریل و یکی با مجموعه‌ای از کتاب‌های بینایی در اختیار دارد. کتابخانه بینایی در حقیقت، منبع اصلی گویندگان و نابینایان برای انتخاب و ضبط کتاب روی نوار است.

از طرفی، مدرسه نابینایان خزانلی، با کمک سازمان کودکان استثنایی، به تولید کتاب‌های درسی گویا برای تمام دانش‌آموزان نابینا اقدام و برای انجام این مهم، استودیوهای ضبط کتاب نیز دایر کرد. (Shirin Taavoni, 1991, P 73-78)

اما نه مؤسسه‌ای که نام بردیم و نه سایر مؤسسه‌ای که بعدها در زمینه تولید کتاب گویا فعال شدند، مانند «کتابخانه عمومی حسینییه ارشاد» و «مؤسسه نهادگذاری مطالعات علمی و پژوهشی گویا»، هیچ یک مشخصاً به ادبیات کودکان نپرداختند و در این زمینه، فقط کتاب‌های درسی کودکان و نوجوانان، به کتاب‌های گویا تبدیل شد. در سال‌های اخیر، یک ناشر ایرانی (نشر ماه‌ریز) نیز به تولید کتاب گویا در قالب نوار کاست اقدام کرده است. اگر چه تعداد این نوارها در حال حاضر دو یا سه عدد بیشتر نیست، از این حیث که این نوارها دقیقاً به نام کتاب گویا منتشر می‌شوند، دارای اهمیت خاصی هستند. زیرا این آثار از ابتدا، به منظور گویا شدن، ترجمه و تدوین می‌شوند و امتیاز تکثیر آن‌ها نیز در انحصار ناشر است.

کتابشناسی ملی ایران، از سال ۱۳۷۳، کتاب گویا را به عنوان یک قالب مستقل، در مجموعه آثار

احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث، اشعار خود را بازخوانی و ضبط می‌کردند. هم‌چنین بود مجموعه «زندگی و آثار» که در حقیقت، ترجمه آثاری بود که به همین شکل در اروپا منتشر شده بود و بعدها زندگی و آثار موسیقی‌دان‌های ایرانی نیز به آن افزوده شد. تقریباً قسمت عمده این فعالیت‌ها، پس از انقلاب اسلامی متوقف شد و دیگر ادامه نیافت (احمدرضا احمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۰)

انتشارات ابتکار نیز در سال ۱۳۵۹، فعالیت جدیدی را در عرضه مواد شنیداری آغاز کرد. تولیدات نشر ابتکار، از آن نظر اهمیت دارد که بخش عمده‌ای از آن، مشخصاً برای کودکان و نوجوانان تهیه شده است. مواردی مانند شازده کوچولو یا ترجمه و صدای احمد شاملو، دن کیشوت (متن ساده برای نوجوانان) با صدای سیروس ابراهیم‌زاده، خروس زدی، پیرهن پری با صدای احمد شاملو و موسیقی بابک بیات، خرگوش و ستاره‌ها از غلامرضا جورکش و خاله ماندگار م. آزاد، از جمله این آثار هستند (آزیتا زال‌زاده، ۱۳۸۳). هر چند در تولید این آثار نیز به طور خاص، کودک نابینا مدنظر نبوده است.

می‌توان گفت نخستین نهادی که در ایران، به شکل آگاهانه و هدفمند (به منظور دسترس‌پذیری ادبیات برای کودکان و نوجوانان نابینا)، اقدام به تولید کتاب گویا کرد، شورای کتاب کودک بوده است. سابقه انجام این کار (پرداختن به ادبیات و کودک معلول)، به جلسه‌ای با عنوان «نگرش به معلولین در ادبیات کودکان و نوجوانان» باز می‌گردد که در سال ۱۳۶۰ در شورای کتاب کودک برگزار شد. (نوش آفرین انصاری، ۱۳۶۱، ص ۱۱). پس از آن، شورا با انتشار کتابی به نام «نقش کتاب‌های کودکان در همسازی کودکان معلول با جریان

منتشر شده در ایران تلقی و کتاب‌های گویا را در هر کتابشناسی، با مشخصات کامل معرفی می‌کند. البته در سال ۱۳۷۴ نیز فهرستگان کتاب‌های گویای ایران منتشر شد. (تعاونی، شیرین (خالقی): فهرستگان کتاب‌های گویای ایران، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴). این کتابشناسی ۱۰۶۶۹ کتاب گویا را که در ۱۵ مرکز نگهداری می‌شود، معرفی کرده است (رؤیا مکتبی، ۱۳۷۹، ص ۶۰).

کتاب گویا برای کودکان و نوجوانان

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۵۰، مرکزی برای تهیه نوار موسیقی و قصه برای بچه‌ها تأسیس کرد که نام آن، مرکز تهیه نوار و صفحه برای کودکان و نوجوانان بود. گرچه این مرکز این فعالیت را مشخصاً برای کودکان نابینا پایه‌گذاری نکرده بود، به هر حال می‌توان از آن به عنوان اولین مرکزی که برای کودکان مواد شنیداری تولید می‌کرد، نام برد. نخستین محصول این مرکز، نوار ماهی سیاه کوچولو صمد بهرنگی بود که توسط خسرو برنوش که در آن زمان تهیه‌کننده رادیو بود، تولید شد. اداره این مرکز بعدها به احمدرضا احمدی سپرده شد و توسط او گسترش یافت. «شماری از قصه‌هایی که کانون به صورت کتاب منتشر می‌کرد، به صورت صفحه و بعداً نیز کاست منتشر شد، از قبیل گل اومد، بهار اومد از منوچهر نیستانی، ماهی سیاه کوچولو از صمد بهرنگی و لی‌لی حوضک از م. آزاد با موسیقی خانم قراچه‌داغی» (احمدرضا احمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۰).

از جمله تولیدات دیگر این مرکز، مجموعه‌هایی بود که تحت عنوان «صدای شاعر» منتشر می‌شد. در این مجموعه‌ها شاعرانی مانند

زندگی روزمره»، در سال ۱۳۶۳، در این وادی گامی به جلو برداشت. در این کتاب که نوشته اورجاسترو، توردیس و به ترجمه ثریا قزل‌ایاغ بود، در خصوص اهمیت کتاب‌های مناسب برای کودکان ویژه (نابینا، ناشنوا، کم‌توان ذهنی، کُندخوان و...) و انواع کتاب‌های بریل، گویا، لمسی و آسان توضیحاتی داده شده است.

تجربه عملی ساخت کتاب برای کودکان ویژه در شورا، در اوایل دهه هفتاد اتفاق افتاد و در سال ۱۳۷۴ نیز گروه کتاب گویا، رسماً در شورا شکل گرفت. نخستین تجربه در این خصوص، به ضبط استودیویی کتاب «رسم ما سهم ما»ی مهدخت کشکولی باز می‌گردد که توسط منصوره شجاعی انجام شد. از همان ابتدای کار، در حوزه کتاب گویا، حدود و ثغور کار مشخص شد. به این ترتیب، کتاب گویا در حقیقت نوعی کتابخوانی با صدای بلند است که با امانتداری کامل انجام می‌شود. در واقع گوینده، حکم چشم شنونده را دارد و هر آن چه را به کتاب چاپی و همین‌طور مشخصات ضبط اثر مربوط می‌شود، در نوار قید می‌کند و مشخصات کامل اثر، از جمله مشخصات کتاب‌شناختی، نام سرفصل‌ها، پانویس‌ها، نام گوینده، محل ضبط، تاریخ ضبط و... نیز در ابتدای کار خوانده می‌شود. در این خصوص، جزوه‌ای به نام «دستورالعمل ضبط کتاب‌های گویا»، توسط ثریا قزل‌ایاغ تهیه شد که در اختیار گویندگان قرار گرفت تا براساس آن، کار ضبط کتاب را انجام دهند. بر این اساس، گوینده متن وظیفه دارد که متن کتاب را بی‌کم و کاست، اما بدون دخالت دادن احساسات خود در آن، با صدای بلند بخواند.

تاکنون بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب گویا، برای گروه‌های سنی مختلف، از پیش‌دبستان تا نوجوان،

براساس همین دستورالعمل‌ها توسط گویندگان داوطلب در استودیوهای مختلف ضبط شده است. با وجود آن‌که از همان ابتدا متفاوت بودن کتاب گویا با نوار قصه و نمایش‌نامه رادیویی مشخص شده بود، اما به کار بردن موسیقی در ضبط کتاب‌ها، منافاتی با اصول ضبط کتاب گویا نداشت. بنابراین، متناسب با متن و حال و هوای کتاب، موسیقی به صورت زنده یا از پیش ضبط شده، برای همراهی با متن تهیه یا انتخاب می‌شود. با وجود آن‌که گوینده حق دخالت دادن احساسات خود را حین خواندن اثر ندارد، با کمک موسیقی تا حدودی فضای حسی داستان را منتقل می‌کند و متن نیز با وجود یک گوینده واحد، از حالت یکنواختی خارج می‌شود.

به دلیل رعایت حقوق مؤلف (کپی‌رایت) هر اثر، از هر کتابی تنها به تعداد محدود و فقط برای نگهداری در کتابخانه گویای مرکز خدمات بهزیستی نابینایان رودکی و نیز آرشیو شورای کتاب کودک و برخی دیگر از نهادها، از جمله کتابخانه فراگیر فدک تولید می‌شود. کتابخانه فراگیر فدک، کتابخانه‌ای است که با همکاری مشترک یونیسف، شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۸۰ تأسیس شد و هدف آن خدمات‌دهی به کلیه کودکان ویژه (نابینا، ناشنوا، کم‌توان ذهنی) بود. در این کتابخانه، اشکال گوناگون کتاب از جمله کتاب‌های پرده‌ای (ناشنوایان)، کتاب‌های آسان (ناشنوایان، کم‌توان ذهنی)، حسی - لمسی (نابینایان)، بریل (نابینایان)، گویا (نابینایان) نگهداری می‌شود. انتخاب و تهیه منابع این کتابخانه، به عهده گروه کتاب ویژه شورای کتاب کودک بوده است.

منابع

احمدی، احمدرضا (۱۳۸۲): تاریخ شفاهی نشر ایران، به کوشش عبدالحسین آذرننگ و علی دهباشی، تهران، ققنوس.

انصاری، نوش آفرین: گزارش شورای کتاب کودک به مناسبت ۲۰ سال تلاش ۱۳۴۱-۱۳۶۱، آذر - اسفند ۱۳۶۱: ۳-۵۰.

زالزاده، آریتا: نشر ابتکار نو، تهران، مصاحبه، ۱۳ آبان ۱۳۸۳.

سعیدیان، عبدالحسین: دائرةالمعارف ادبی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

سلطانی، پوری: راستین، فروردین: دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.

مکتبی، رؤیا: خبرنامه داخلی شورای کتاب کودک، ۴ زمستان ۱۳۷۹: ۶۰-۶۲، ۱۳۷۹.

میرهادی، توران: فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۷۹، ۱۳۷۲.

-Kent, Allen (1978). "Talking Book".

Encyclopedia of Library and Information Science. V.30. P. 70-94.

-Public Libraries Manifesto, Unesco, 1994.

-Taavoni, Shirin (1991). **Libraries for the Blind in Iran.** Asian Seminar on Library Services to the Visually Handicapped in Developing countries, IFLA, Section of Libraries for the Blind.

در خلال انجام کار، برخی نویسندگان و مترجمان نیز به همکاری در گویا کردن آثارشان علاقه نشان می‌دادند. برای مثال، گلی امامی ترجمه خود، از «شاهزاده خوشحال» را گویا کرد و هوشنگ مرادی کرمانی نیز در ابتدای کتاب «مشت بر پوست»، پیامی برای نابینایان خواند.

تولید یک کتاب گویا مستلزم هزینه نسبتاً سنگینی است که شامل پرداخت هزینه‌های استودیویی، گوینده، هزینه نوار خام، تکثیر و... می‌شود. اگرچه گویندگان گروه کتاب‌گویای شورای کتاب کودک، همه به صورت داوطلب کار می‌کنند و در برخی موارد، حتی استودیو نیز هزینه‌ای دریافت نمی‌کند، از آن‌جا که این آثار در حد انبوه تکثیر و اصولاً به منظور اهداف انتفاعی تولید نمی‌شوند، این هزینه‌ها سرشکن و جبران نمی‌شود.

به نظر می‌رسد بحث دسترس‌پذیری ادبیات کودکان برای کودکان ویژه، باید به نحو جدی‌تری در ایران دنبال شود. پرداختن به قالب‌هایی که بتوان از طریق آن‌ها رابطه بین کودک ویژه و ادبیات ناب را برقرار کرد، از اهمیت زیادی برخوردار است و در حوزه نابینایان، کتاب‌گویا می‌تواند محمل مناسبی برای لذت بردن از ادبیات توسط این کودکان باشد. به دلیل هزینه سنگین تولید این نوع کتاب و سایر کتاب‌های ویژه، در مقایسه با کتاب‌های عادی، به حمایت‌های مالی سازمان‌های دست‌اندرکار (به ویژه در بخش دولتی) و نیز ناشران نیاز دارد.

در پایان این نوشتار، مایلم از منصوره شجاعی که نخستین آموزگارم در زمینه کتاب‌گویا بود و نیز از شیرین تعاونی که همواره از همکاری صمیمانه‌اش برخوردار بوده‌ام، سپاس‌گزاری کنم.